

۹۱ / ۹ / ۱۳

جلسه ۳۴

حقیقت و مجاز

دوشنبه

سال سوم

## بررسی اقسام هشت گانه قضیه

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## قسم اول

کلام مرحوم آخوند

عدم صحت لفظ از یک معنی و صحت حمل بر معنی اگر به **حمل اولی** باشند،  
علامت آن است که لفظ در آن معنی، حقیقت است

ملاک در حمل اولی، **اتحاد مفهومی** است

## قسم اول

## حمل مجبه اولی ذاتی

## اشکال مرحوم خویی

**حمل ذاتی** ← کاشف اتحاد معنی موضوع و معنی محمول  
آنچه به عنوان لفظ واقع می شود از مقام حمل خارج است

**پس در حمل انسان بر حیوان ناطق :**  
**آنچه می فهمیم :** اتحاد معنای انسان و معنای حیوان ناطق است  
**آنچه نمی فهمیم :** لفظ مورد نظر در این معنی حقیقت است یا مجاز؟

## قسم اول

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## کلام مرحوم اصفهانی

حمل بما هو حمل اگر اولی است ← اتحاد دو معنی در ذات و حقیقت  
 حمل بما هو حمل اگر شایع است ← اتحاد دو معنی را در وجود و مصداق

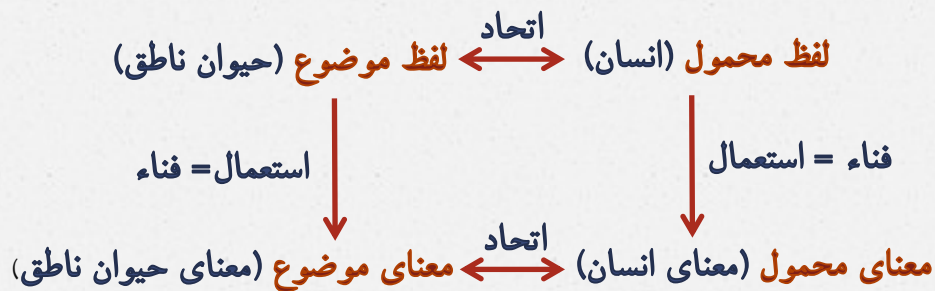
**استعمال لفظ در این معنی، اعم از حقیقت و مجاز است!**  
 صحت حمل زمانی علامت حقیقت است که یقین داشته باشیم قرینه ای در کار نیست

## قسم اول

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## ما می گوئیم (۱)

کلام مرحوم اصفهانی به نوعی پاسخ به اشکال مرحوم خوبی است



تلاش ما این است که بگوئیم «معنای موضوع» معنای «لفظ محمول» است  
 در حالی که : صحت حمل  $\leftarrow$  تنها متکفل «اتحاد دو معنی» است.

## حمل مجبیه اولی ذاتی

ما می گوئیم (۲)

تقریر «علامیت» توسط مرحوم اصفهانی:

اتحاد دو معنی + احراز استعمال لفظ محمول در معنای حقیقی

صحت جواب مرحوم اصفهانی

اگرچه این جواب به نوعی خروج از فرضی است که مرحوم آخوند مطرح کرده اند.  
چراکه: مرحوم آخوند «احراز عدم قرینه» را مورد اشاره قرار نداده بود

## قسم اول

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## اشکال سیدنا الاستاذ

## حمل اولی :

۱. قسم اول : حمل لفظ بر عین مفهوم ← انسان بشر است
۲. قسم دوم : حمل معرف بر معرف ← انسان حیوان ناطق است

## در نوع دوم ← اتحاد مفهومی ندارند

گرچه معرف و معرف هم ماهیت هستند ولی مفهوم واحد ندارند  
چراکه: انسان برای ماهیت مجمله و حیوان ناطق برای همین ماهیت به قید تفصیل وضع شده

## حمل موجبہ اولی ذاتی

قسم اول

همه مفاهیم بسیط هستند

نکته ۱

و لذا «حیوان ناطق» ترکیب دو مفهوم بسیط است و نه یک مفهوم مرکب

نکته ۲

حیوان و ناطق ← اجزاء ماهیت انسان و نه اجزاء مفهوم



## حمل موجه اولی ذاتی

قسم اول

۱. گاهی ما بازاء = مرکب است:

مفهوم بسیط «انسان» ← ما بازاء آن مفهوم مرکب «انسان» است  
که با دو مفهوم مورد اشاره قرار می گیرد: حیوان ناطق

ما بازاء مفهوم بسیط،  
دو گونه است:

۲. گاهی ما بازاء = بسیط است:

مانند مفهوم بسیط خدا ← ما بازاء آن مفهوم بسیط «خدا» است  
در عین حال با مفاهیم متعدد به آن اشاره می شود = واجب الوجود

نکته ۳

## حمل موجبہ اولی ذاتی

قسم اول

## حمل اولی دو صورت دارد :

نکته ۴

۱. گاه دو لفظ، که به ازای یک مفهوم قرار دارند بر هم حمل می شوند:

«انسان بشر»

۲. گاه یک لفظ بر الفاظ متعددی که هر یک از آنها مفهومی دارند حمل می شود

ولی آن دو مفهوم مساوی با مفهوم بسیط مورد نظر است.

«حیوان ناطق انسان»

## قسم اول

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## نکته ۵

در صورت دوم می توان گفت :

آنچه موضوع له لفظ است، همان **مفهوم بسیطی** است که آن دو مفهوم با آن مساوی هستند

چراکه :

اگر فی الواقع همین دو مفهوم، بما هو هو موضوع قضیه باشند، قضیه مذکورہ کاذب است

## نکته ۶

پس چون در حمل اولی هم در ناحیه موضوع و هم در ناحیه محمول، در حقیقت همان

**مفهوم بسیط** قرار گرفته است، پس صحت حمل اولی دلالت بر **حقیقت** می کند

## قسم اول

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## جواب حضرت امام از مرحوم عراقی

مرحوم عراقی بین حمل اولی در «الانسان بشر» و «حیوان ناطق انسان» تفصیل داده است و دومی را علامت حقیقت نمی داند چرا که یکی مرکب است و یکی بسیط

اما این حرف باطل است چراکه:

**مفهوم مفصل حکایت گر و مشیر به ماهیت بسیطه است**

و شک ما در آن است که آیا لفظ برای مفهوم بسیط وضع شده است و یا برای مفهوم مرکب؟ ترکیب در حدّ (حیوان ناطق) است و نه در محدود (انسان).

و شک در انسان است و نه در حیوان ناطق

## قسم اول

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## اشکال چهارم : اشکال حضرت امام

تصدیق به صحت حمل متوقف است بر:

الف) تصور لفظ و معنای مشکوک فیه      ب) سپس حمل لفظ بر معنی

وقتی این امر حاصل شد، علم تفصیلی به حقیقت بودن معنی برای لفظ حاصل می شود

علت پیدایش این علم تفصیلی تبادر است

پس تبادر، قبل از صحت حمل، حاصل می شود و نوبت به اینکه شک داشته باشیم و بخواهیم آن

را به وسیله صحت حمل برطرف کنیم، نمی رسد

## حمل موجبہ اولی ذاتی

قسم اول

در قبال قضیہ لفظیہ، یک قضیہ ذہنیہ موجود است.

نکتہ ۱

یعنی اگر لفظ انسان را بر لفظ بشر حمل می کنیم، در قبال آن، معنای انسان را هم در ذهن بر معنای بشر حمل می کنیم

لفظ با معنای خودش متحد است ← چراکه فانی در معنا می باشد

نکتہ ۲

قبل از حمل باید موضوع و محمول را مورد لحاظ و علم تفصیلی قرار دهیم (التفات)

نکتہ ۳

### حمل موجبہ اولی ذاتی

قسم اول

وقتی می توانیم دو معنی را بر هم حمل کنیم که :

نکته ۴

**به علم تفصیلی بدانیم آن دو معنی با هم متحد هستند**

و الا نمی توانیم قضیه لفظیه، و قضیه ذهنیه را تشکیل دهیم

امام می فرمایند: قبل از اینکه حمل صورت پذیرد، باید متکلم عالم باشد به :

نکته ۵

**الف : اتحاد معنای انسان با لفظ انسان**

**ب : اتحاد معنای انسان با معنای بشر**

وقتی قبل از حمل، می دانیم (به علم تفصیلی) که لفظ انسان دارای معنای بشر است، پس

نکته ۶

دیگر حمل و صحت آن، علامت حقیقت نیست

## حمل موجبہ اولی ذاتی

## قسم اول

اشکال سوم : اشکال حضرت امام

برای تصدیق یک جمله حملیه باید پیش از آن بدانیم که :  
**معنای ارتکازی** لفظ با معنایی که احتمال می دهیم **معنای حقیقی** باشد، متحد است

پس وقتی از قبل می دانیم، دیگر شکی نداریم تا صحت حمل بخواهد آن را مرتفع کند.  
 پس صحت حمل تأثیری در رفع شک ندارد ← یعنی علامیت ندارد